اعتماد
ETEMAAD
www.etemaad.com
روزنامه خبری – تحلیلی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی
■صاحب امتیاز و مدیرمسوول: الیاس حضرتی ■سردبیر: بهروز بهزادی
■نشانی روزنامه: خیابان شریعتی – خیابان خواجه عبدالله انصاری – کوچه هشتم – پلاک ۱۶
■تلفنخانه: ۲۲۸۶۸۴۱۸–۲۲۸۶۴۷۶۱ ■نمابر: ۲۲۸۶۲۲۶۵
■امورمشترکین: ۲۰–۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵ ■سازمان آگهی‌ها: ۲۶۲۰۰۱۹۹
■توزیع تهران: چاپارباماداد ■شهرستان: عصر ارتباط کوشا ■سازمان نیازمندیها: ۱۸۱۶–۲۶۲۰۲۲۸۰
■چاپ: شرکت سهامی افست ■نشانی چاپخانه: تهران – کیلومتر ۴ جاده آبعلی ■تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳

اذان ظهر: ۱۳/۱۰ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۰۷ ■ اذان مغرب: ۲۰/۲۶ ■ اذان صبح فردا: ۴/۳۹ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶/۱۵

جدول ارز و طلا

ارز	قیمت(تومان)	نوسان	طلا و سکه	قیمت(تومان)	نوسان
دلار امریکا	۹۳۳	↑ ۵	سکه طرح قدیم	۲۲۸۰۰۰	↑ ۲۰۰۰
یورو	۱۴۵۶	↓ ۳	سکه طرح جدید	۲۱۲۵۰۰	↓ ۲۵۰۰
پوند انگلیس	۱۸۴۲	↑ ۳	نیم سکه بهار آزادی	۱۰۷۵۰۰	↓ ۱۵۰۰
درهم امارات	۲۵۶	↑ ۲	ربع سکه بهار آزادی	۵۵۰۰۰	↓ ۵۰۰
یکصد ین ژاپن	۸۷۰	↑ ۱۵	یک گرم طلای ۱۸ عیار	۲۰۹۰۰	↓ ۲۰۰
دلار کانادا	۹۱۷	↓ ۱۲	یک مثقال طلای ۱۸ عیار	۹۶۳۸۰	↓ ۸۵۰
ریال سعودی	۲۵۰	↑ ۲	یک مثقال طلای ۱۷ عیار	۹۰۶۰۰	↓ ۸۰۰

شنیدنی

از حافظ بپرسید

دارم امید عاطفتی از جانب دوست گردم جنایتی و امیدم به عفو اوست

آب‌وهوا

تهران	۳۸	۲۸	کرمان	۳۷	۱۷
تبریز	۳۷	۲۷	رشت	۳۱	۲۲
شیراز	۳۷	۲۰	اهواز	۴۸	۳۱
اصفهان	۳۷	۲۲	بندرعباس	۳۶	۳۱
مشهد	۳۹	۲۶	زاهدان	۳۹	۲۲

کنسرت گروه دبو ۲ ساعت قبل از اجرا لغو شد/ عکس: ایسنا

کنسرت گروه دبو، سومین کنسرتی است که در سه هفته اخیر لغو شده است

لغو کنسرت‌ها؛ دغدغه تازه اهالی موسیقی

سید ابوالحسن مختاباد: بر هم خوردن کنسرت گروه دبو درست دو ساعت قبل از اجرا، آدمی را بی‌اختیار به یاد همین ماجرا در تابستان سال ۱۳۷۵ می‌اندازد. ۱۲ سال قبل، زمانی که محمدرضا شجریان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران کنسرت داشت و در شب دوم یا سوم هنگامی که مردم برای تماشای برنامه در پشت در جنوبی نمایشگاه جمع شده بودند، خبر رسید که کنسرت برگزار نخواهد شد و مردم به رغم اعتراضات پیدا و پنهان دست از پا درازتر به منزل برگشتند. آن زمان گفته می‌شد دلیل اصلی بر هم خوردن این کنسرت اعتراض گروه‌های معروف به فشار به عدم تفکیک میان زنان و مردان در کنسرت بود که با انتقاد و ایستادگی صریح استاد شجریان، این ماجرا صبغه‌یی پیچیده‌تر یافت و در نهایت به آنجا انجامید که کنسرت در شب سوم دیگر برگزار نشد. ۱۲ سال بعد از آن ماجرا نه گروه فشاری وجود دارد و نه جداسازی میان زن و مرد مساله‌یی مهم جلوه می‌کند؛ دولت با اقتدار تمام بر تمامی عرصه‌ها نظارت دارد و کنسرت گروه‌های پاپ که برگزاری هر کدام‌شان نیازمند چند ماه بررسی همه‌جانبه و رایزنی با ده‌ها گروه و فرد بی‌ارتباط با موسیقی است، حداقل در دو سال اخیر به طرفه‌العینی برگزار می‌شود و در سوی دیگر کریس دی‌برگ ایرلندی‌تبار هم با خیال راحت می‌تواند به ایران آمده و از برگزاری کنسرت خود در این کشور سخن بگوید. در چنین فضایی بر هم خوردن کنسرت گروه دبو چه در اجرای آثار و چه در محتوای اشعار سنخیتی خاص با گفتمان مورد تقاضای دست‌اندرکاران موسیقی در ارشاد داشته و دارد، پرسش‌برانگیز است. همچنان که بر هم خوردن کنسرت استاد داریوش صفوت و ژان دورینگ یا لیلی افشار اذهان را به چالش می‌کشاند. جالب توجه اینکه دلیل بر هم زدن کنسرت دکتر صفوت را برگزاری مراسمی ویژه در همان روز و تداخل برنامه اعلام کردند، اما چند روز بعد مشخص شد دست‌اندرکاران وزارت ارشاد و تالار وحدت در این زمینه خبر درستی را انتقال ندادند و در آن شب خاص برنامه‌یی در تالار برگزار نشد. همچنان که در بر هم زدن کنسرت خانم لیلی افشار و دلیل تراشی آنها برای ندادن مجوز، یا نداشتن مجوز بیشتر بهانه‌یی برای فرار از مسوولیتی بود که قانون برعهده آنها گذاشت. همین دو اتفاق در تالار وحدت و انعکاس رسانه‌یی آن کافی بود تا یکی از مهم‌ترین نهادهای حوزه موسیقی (خانه موسیقی) نسبت به آن حساس و در نشست اوایل مرداد هیات مدیره، مدیرعامل خانه موسیقی مامور پیگیری و رایزنی با دست‌اندرکاران وزارت ارشاد شود، برای پی بردن به چند و چون ماجرا به نظر می‌رسد حساسیت خانه موسیقی تا اندازه‌یی بجا بود، چرا که اگر آن دو کنسرت چند روزی قبل از برگزاری بر هم خوردند، کنسرت گروه دبو درست دو ساعت قبل از اجرا دچار اختلال و عدم برگزاری شد؛ کنسرتی که به گواه دست‌اندرکارانش تمامی مراحل دریافت مجوز را حتی با دستور مستقیم وزیر دریافت کرده بود و با توجه به خارجی بودن مهمانانش باید از همین الان پیش‌بینی کرد که هزینه سنگینی بر مدیران و مجریان این کنسرت بار شده است. اجرا نشدن کنسرت گروه دبو به چند گروه خسارت وارد کرد که البته خسارت‌های معنوی آن بسی بیش از خسارت‌های مادی است. اینکه حداقل زمان بیش از سه هزار شهروند را بدون هیچ دلیل منطقی بر هم بزنیم و آنها را از دیدن برنامه‌یی متعارف محروم سازیم، مهم‌ترین بخش ماجرا است. اما طبیعی است این بخش ماجرا برای دست‌اندرکاران امر چندان وجهی ندارد، پس می‌ماند خسارت‌های مادی که به گروه و مدیران برنامه وارد شد. خوشبختانه در این بخش ماجرا قانون ساکت نیست. چندی قبل جناب رازینی رئیس دیوان عدالت اداری در گفت‌وگویی با رسانه‌ها اعلام کرد: «در صورتی که برنامه‌های مجوزدار به هر دلیلی از سوی وزارت ارشاد لغو شود، هزینه‌هایی که توسط مجری برنامه صورت گرفته باید توسط وزارت ارشاد پرداخت و ضرر و زیان آن جبران شود.» (نقل به مضمون) تا آنجایی که نگارنده پیگیری کرده است، به گفته دست‌اندرکاران برگزاری کنسرت گروه دبو، تا این لحظه (عصر روز شنبه ۱۲ مرداد) هیچ دلیلی برای بر هم زدن این کنسرت از سوی دست‌اندرکاران وزارت ارشاد بیان نشده است و مدیر دفتر موسیقی وزارت ارشاد هم در برابر افکار عمومی و رسانه‌ها سکوت پرسش‌برانگیزی را پیشه کرده است.

دلایل لغو کنسرت گروه دبو

مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد گفت: اطلاعاتی که گروه دبو برای گرفتن مجوز در اختیار وزارت ارشاد گذاشته بود، با آنچه ما هنگام اجرای برنامه با آن مواجه شدیم، تناقض داشت. احمدی در گفت‌وگو با سایت شبکه خبر در خصوص علت لغو مجوز کنسرت گروه موسیقی امریکایی دبو اظهار داشت: مجوز صادرشده برای این گروه موسیقی، بر اساس مستندات ارائه شده از سوی مجریان این برنامه بود. وی در ادامه افزود: چون این مستندات مشکلی نداشت، مجوز برای آنها صادر شد اما وقتی این گروه به ایران آمدند، یکسری از اطلاعات از جمله نوازنده‌هایی که آمده بودند و کارهایی که قصد ارائه آن را داشتند با آنچه قبلاً در اختیار دفتر موسیقی وزارت ارشاد قرار گرفته بود تفاوت داشت. احمدی تصریح کرد: وقتی مجوزی صادر می‌شود برای همان کارها و همان افراد تایید شده است، بنابراین اجرای این گروه با توجه به تفاوت به وجود آمده در اطلاعات، احتیاج به صدور دوباره مجوز داشت که این مساله هم مراحل متعددی دارد و این امر باعث لغو اجرای برنامه این گروه شد.

دریچه

■ **استعفای اعتراضی محمد درمنش:** محمد درمنش در اعتراض به توقیف فیلم سینمایی «ماه‌وش» با نوشتن نامه‌یی شدیداللحن به مدیر کل ارزشیابی و نظارت معاونت سینمایی از سمت خود در شورای صدور پروانه ساخت و نمایش آثار ویدئویی استعفا داد. فیلم سینمایی «ماه‌وش» به کارگردانی درمنش در پی کسب مجوز ساخت سال ۸۶ تولید و برای حضور در جشنواره فجر پارسال به دبیرخانه جشنواره ارائه شد، اما مورد پذیرش قرار نگرفت.

■ **معرفی اعضای هیات‌مدیره جدید انجمن مستندسازان:** در نخستین جلسه هیات‌مدیره جدید انجمن مستندسازان، مجتبی میرتهماسب به عنوان رئیس، سودابه مرادیان نایب‌رئیس، بهرام عظیم‌پور دبیر، علیرضا قاسم‌خان خزانه‌دار و ناصر صفاریان به عنوان سخنگوی این انجمن معرفی شدند.

یادداشت

راهکارهایی برای اجرا شدن یک طرح

محمدرضا گلزار

خدا را شکر که سایه سنگین و بلندبالای نام و یاد خسرو شکیبایی فقید تا همیشه بر سر این سینما پایدار خواهد ماند. چند خطی که به بهانه درگذشت این بازیگر بزرگ نوشتم و غم رفتنش را بهانه یادآوری از بازماندگان و زندگان هنر بازیگری کردم، بازتاب‌های مثبت زیادی داشت و همین واکنش‌ها بهانه جدی‌تری برای رسیدن به طرح‌های اجرایی و عملی شدن موضوعی است که در آن یادداشت آرزویش را مطرح کردم. دوستان مطبوعاتی در روزنامه اعتماد بعد از انتشار آن یادداشت خبر دادند که انگار آن حرف‌ها به گوش متولیان و مسوولان سینما هم رسیده و آنها هم از این گونه طرح‌ها و پیشنهادها استقبال می‌کنند. پس حالا که اهالی سینما در کنار مدیران و مسوولان رده بالا قرار گرفته‌اند و درباره موضوعی هم‌عقیده و هم‌نظر شده‌اند، فرصت کمیابی در اختیارمان قرار گرفته تا بتوانیم درباره این موضوع مهم و اساسی به شکل جدی‌تری فکر کنیم و قدم برداریم. شاید ضربه سنگین از دست‌دادن بزرگ و عزیزی مثل خسرو شکیبایی دیگران را هم به این نتیجه رسانده که کاری کنند تا بار این غم کمی سبک‌تر شود و بعد از این کمتر منتظر بنشینیم تا خبرهای تلخ مشابهی همه‌مان را از بی‌خبری‌ها و روزمرگی‌هایی که دچارش هستیم بیرون بیاورد. اگر بخواهیم دیگر در چنین موقعیت ناگوار و دردناکی قرار نگیریم، باید چاره‌جویی را از همین حالا شروع کنیم و دست روی دست نگذاریم. هنوز تا داغ فقدان عزیزی در وجودمان هست و خبر و حواشی آن در رسانه‌ها منعکس می‌شود، فرصت و موقعیتی برای اجرایی کردن حرف‌ها و ایده‌ها وجود دارد و تجربه نشان داده که گذشت زمان می‌تواند فرصت‌های بزرگی را از ما بگیرد. بیاییم این بار زمان را از دست ندهیم و فرصت‌شناس باشیم، چون تصور می‌کنم بازتاب‌های آن پیشنهاد کلی و خبرهایش خیلی مغتنم است. واکنش‌های مسوولان و همکاران سینمایی باعث شد به فکر طرح و ایده‌یی بیفتم که مدتی بود ذهنم را مشغول کرده بود و انگار دنبال موقعیت مناسبی برای مطرح‌کردن آن می‌گشتم. افسوس و صدافسوس که این امکان با مرگ یکی از بهترین‌های سینما پیش آمد. ایده‌یی که البته پیش از این در ذهن چند تهیه‌کننده خوب سینما هم جریان یافته بود. طرح کلی و اصلی این است که کاری کنیم اهالی سینما از هر رشته و حرفه و صنفی در کاری که انجام می‌دهند به حق و حقوق واقعی‌تر و مطلوب‌تری برسند. وقتی مردم عزیز و علاقه‌مندان و سینمادوستان کشورمان به هر دلیل به فیلمی که ساخته شده توجه نشان می‌دهند و با تماشای آن فیلم و صف‌بستن جلوی گیشه‌های سینما آن فیلم را از بقیه تولیدات سال متمایز می‌کنند، باید بخشی از محصول و درآمد آن فیلم خاص به همه عواملی که در به ثمر رساندنش نقش داشته‌اند، تعلق بگیرد. دستمزدهای اولیه و مشخص عوامل هر فیلم به کنار، باید در مورد فروش‌های ویژه و سودهای حاصل از اکران فیلم‌هایی که در رده‌های بالای جدول فروش هستند، سهم ویژه‌یی به دست‌اندرکاران آن تعلق بگیرد. تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران هر فیلم می‌توانند به همه کسانی که در ساخت و تولید فیلم نقشی بر عهده داشتند، به عنوان شریک‌هایی هر چند کوچک نگاه کنند که در صورت سوددهی محصول، به درصدی محدود و مشخص از سود فیلم دست پیدا کنند. منظورم البته فقط افراد اصلی گروه تولید نیستند. امیدوارم این طرح شامل تمام افرادی که نقش‌هایی، هر چند ظاهراً کوچک در ساخت یک فیلم دارند، بشود. به گونه‌یی که تک‌تک عوامل تولید یک فیلم را دربرگیرد. این طرح کلی برای عملی شدن و رسیدن به نتیجه نیاز به کار کارشناسی و تحلیل اقتصادی درست و متناسب با زمان و شرایط تولید دارد. در شکل کلی و بدون عدد و رقم مشخص، پیشنهادم این است که در قراردادهایی که با عوامل فیلم‌ها امضا می‌شود، بند و ماده‌یی اضافه شود که در صورتی که فروش فیلم از رقم تعیین‌شده بیشتر شد، درصد مشخصی به این دستمزدهای اولیه اضافه شود و تهیه‌کننده و پخش‌کننده فیلم‌ها هم خودشان را متعهد به پرداخت این رقم‌ها بدانند و به آن به چشم قسط آخر دستمزدها نگاه نکنند! دوستان و همکاران خبره و کارشناس سینما در بخش‌های اقتصادی می‌توانند این موضوع را بررسی کنند و جزئیات اجرایی و رقم‌های معقول و متناسبی برای عملی‌کردن طرح به این پیشنهاد اضافه کنند. شخصاً در مورد این طرح آماده هر گونه همکاری و مشورت با اهالی سینما هستم و امیدوارم دوستان فعال در بخش‌های رسانه‌یی و مطبوعاتی هم در این زمینه قدم جلو بگذارند و با پیگیری و انتشار اخبار و گزارش‌هایی در این مورد کاری کنند که بشود هر چه سریع‌تر به این موضوع جامه عمل پوشاند و به قراردادهای سینما اضافه‌اش کرد. به نظر من اما این طرح وقتی قابلیت اجرایی شدن خواهد داشت که از سوی هر نهاد و سازمانی که قابلیت و امکان قانونگذاری دارد، به صورت یک قانون دربیاید و برای سازندگان فیلم‌ها لازم‌الاجرا شود. بیاییم تا بار دیگر داغدار همکار و هنرمند دیگری نشده‌ایم و فراموشی و روزمرگی و گرفتاری روی این موضوع سایه نینداخته، به یاری هم به نتیجه و ثمر نزدیکش کنیم. گمان نمی‌کنم کارشناسی درباره فروش سودآور هر فیلم در حال حاضر کار سختی باشد و از طرف دیگر رسیدن به رقم معقولی برای اضافه کردن به دستمزد عوامل تولید یک فیلم پرفروش هم همین‌طور. مطمئن هستم که در این صورت، همه با عشق و علاقه و کوششی بیشتر از قبل سراغ کارها می‌روند و هر کس به سهم خودش تلاش می‌کند فیلم به شکلی به نمایش عمومی برسد که فروش آن بتواند رقمی را به دستمزد اولیه آنها اضافه کند. اگر به سینمایی پویا و تماشاگرپسند فکر می‌کنیم، باید چنین فرصت‌هایی را از دست ندهیم و چنین موضوع‌هایی را با جدیت و تلاش پیگیری کنیم. بی‌شک متولیان و مسوولان سینمایی هم از اجرایی شدن چنین طرحی که نتیجه‌اش گشایشی هر چند کوچک در اوضاع اقتصادی و معیشتی دست‌اندرکاران سینمای ایران خواهد بود، نگاه مثبت و موافقی دارند و به سهم خودشان برای رسیدن به نتیجه مورد نظر اقدام خواهند کرد. پس به امید رسیدن به این موقعیت و چشم‌انتظار طرح‌هایی مشابه این می‌مانیم تا سینمای ایران هر روز بهتر و بیشتر به طرف حرفه‌یی شدن و توجه به وضعیت اقتصادی نیروهای عاشق و کم‌توقع خود حرکت کند.

چهره‌ها

■ **تقدیر ویژه از آل پاچینو در جشنواره رم:** بازیگر صاحب‌نام امریکایی جایزه یک عمر دستاورد سومین جشنواره فیلم رم را دریافت می‌کند. این جایزه بخشی از برنامه‌های تقدیر جشنواره امسال از اکتورز استودیو در نیویورک است که نقشی سازنده در ارتقای موقعیت کاری این بازیگر متولد جنوب برانکس داشت و او یکی از اعضای هیات‌مدیره آن است.

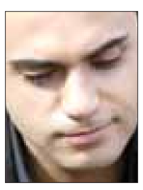

■ **«حامی» کنسرت خود را لغو کرد:** برپایی کنسرت «حامی» خواننده پاپ توسط خود او منتفی اعلام شد. «حمید حامی» در گفت‌وگو با فارس با اعلام این خبر گفت: تنها علت لغو کنسرت «حامی» در تاریخ ۱۷ و ۱۸ مردادماه تخلفات تهیه‌کننده و نقض مواردی از مفاد قرارداد بوده است که با طرح شکایت من به مراجع ذی‌صلاح در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این کنسرت لغو شده است.

مشق روز

این چه حکایت باشد

مهدی میرمحمدی

هر چند صحنه خالی نیست اما چیزی غایب است؛ شاید انسان امروز. همان که در اتوبوس و مترو در کنار من می‌نشیند. همان که در خیابان سر پایین می‌اندازد زیر لب چیزی را زمزمه می‌کند، شاید حرفش را می‌بلعد. گام‌هایش دیوانه‌اند. این روزها صحنه خبری ندارد از واقعیت‌هایی که در خیابان‌های شهر رخ می‌دهند. گاهی در چند متری ما و گاهی کمی آن سوتر. گفتم که صحنه خالی نیست پس نشستم به تماشای «هتل پلازا» نوشته «نیل سایمون» به کارگردانی کوروش نریمانی. خب، یکی دیگر از نمایشنامه‌نویس – کارگردانان ایرانی هم به سراغ نمایشنامه خارجی رفت. بعد از آنکه محمد یعقوبی در نمایش «ماچیسمو» از پاراگوئه و آرژانتین سر درآورد، بعد از آنکه نادر برهانی‌مرند نمایشنامه «داستان‌های شگفت‌انگیز واقعی واقعی» را کنار گذاشت و «مرغابی وحشی» ایبسن را روی صحنه برد حالا کوروش نریمانی هم حکایت از دوردست‌ها می‌گوید: هتل پلازا در امریکا. نریمانی پیشتر چند بار به سراغ منابع خارجی رفته بود و «شوایک» و «دن کامیلو» را از جهان داستان برای نمایشنامه اقتباس کرده بود که می‌شد نوعی تطبیق فرهنگی را تشخیص داد؛ خوانشی اینجایی از آثار فرهنگ دیگری. اما این بار خبری از بازنویسی، بازخوانی و اقتباس هم نیست و در بروشور تنها نام «نیل سایمون» آمده است. علاقه‌یی به بازی انتخاب ندارم، اشکالی هم در اجرای تجربه‌های فرهنگ دیگری نیست. چنان که پیشتر هم در تئاتر ما کارگردانانی بوده‌اند که در تمام عمر هنری خود نمایشنامه خارجی روی صحنه برده‌اند. اما نکته‌یی که این روزها عجیب نشان می‌دهد نام‌هایی است که به سراغ متون خارجی می‌روند. این هنرمندان یا مانند محمد یعقوبی و نادر برهانی‌مرند دغدغه تئاتر واقع‌گرای اجتماعی داشتند یا همچون کوروش نریمانی اگر هم از تئاتر واقع‌گرا دور بودند به هر حال توجه به فرهنگ ایرانی و هنر اینجایی جزء علایق آنها محسوب می‌شد. نمونه‌های دیگر هم کم نیستند. شنیده می‌شود کتایون فیض‌مرندی بعد از مدتی بلاتکلیفی نمایشنامه ایرانی را کنار گذاشته و این روزها مشغول تمرین نمایش «آتن – مسکو» است. خب، این چه حکایت باشد؟ گفته می‌شود دلیل اصلی این رویکرد به متن‌های خارجی گذر از سر ممیزی و نظارت است چرا که حساسیت‌ها نسبت به اثری که داستان آن در پاراگوئه، نروژ یا امریکا می‌گذرد کمتر است. من کاری با دلیل این نکته ندارم اما نتیجه چنین وضعیتی برایم مهم است. خط‌کشی ندارم که برای هنر مرز اینجا و آنجا رسم کنم. قبول دارم که در همین نمایش هتل پلازا وقتی یک بحران عجیب با یک جمله «بی‌خیال» ساده حل می‌شود به خصلتی در روان انسان امروز اشاره می‌شود که در اینجای جهان هم می‌توان آن را سراغ گرفت. اما بعضی از خصلت‌ها نزدیک‌تر است به یک نقطه و آن را می‌توان با صدای بلندتر گفت. انسان ریخته امروز برای اینکه از پس ناشناخته‌های خود بربیاید نیاز به آینه‌یی تمام‌نما دارد که روزی تئاتر و هنرمندان واقع‌گرای آن، پیشرو در خلق چنین آینه‌یی بودند. در این چند سال فیلم‌هایی از سینمای شرق (به خصوص ژاپن و کره) به اینجا می‌رسد که وقتی آنها را در کنار هم قرار می‌دهیم با یک جریان روبه‌رو می‌شویم؛ سینمایی با زبان صریح که نمونه‌های آن را می‌توان در فیلم‌های «نبرد سلطنتی» یا «کلوپ خودکشی» جست‌وجو کرد. بعید می‌دانم مدیران فرهنگی در آنجای جهان علاقه‌یی به ساخت و وجود چنین فیلم‌هایی داشته باشند. البته که یک موزیکال ساده و آرام، یک کمدی ملیح خوشایندتر است اما وقتی جامعه‌شان با بحران افزایش خودکشی روبه‌رو شده، چه می‌توان کرد. مگر نه اینکه ناهنجاری‌ها را باید در میان گذاشت تا بتوان آن را شناخت. صفحه حوادث روزنامه، گواهی از تکثیر انسان ریخته و درمانده در این روزها دارد. نگذاریم بیش از این در خود فرو رود که آینه‌یی باید در برابرش گذاشت. تئاتر امروز نمی‌تواند چشمش را روی انسان امروز ببندد.

پاسخ تهیه‌کننده «سنتوری» به جوابیه معاونت سینمایی

قصور از شما بوده است

گروه فرهنگی: فرامرز فرازمند تهیه‌کننده فیلم «سنتوری» جوابیه‌یی بر جوابیه معاونت سینمایی که به دنبال انتشار حکم دیوان عدالت اداری منتشر کرده بود، ارائه داد. فرازمند در این جوابیه که خبرگزاری ایسنا آن را منتشر کرده است، توضیحاتی درباره روند ساخت فیلم «سنتوری» و برخوردهای صورت گرفته با آن ارائه داده است. او در این نامه آورده است: «آنچه مرا به تحریر این سطور واداشت، اتهامات ناروایی است که به اینجانب وارد ساخته‌اند وگرنه مرا چه به این نامه‌نگاری‌ها که با حرفه‌ام سازگار نیست.» ۱– فرموده‌اید: «خسارت بی‌اعتباری، اقدامات غیرقانونی و تنش در فضای سینما و فرهنگ کشور را چه کسی خواهد داد.» متاسفانه شما به جهت سابقه طولانی مدیریت در سیستم اداری، عادت کرده‌اید مراجعان را مدت‌ها سرگردان و بلاتکلیف بگذارید بدون آنکه پاسخگو باشید. در نتیجه جایگاه و نقش بخش خصوصی تابع وزارتخانه را نادیده می‌انگارید. در حالی که به استناد چندین درخواست و نامه مکتوب خواستار ملاقات با معاونت سینمایی و مقام وزارت شدیم تا بتوانیم به تعاملی اصولی دست یابیم. ولی عاقبت ما را به اداره کل نظارت و ارزشیابی ارجاع کردید. درحالی که وقوف کامل داشتید آن اداره کل کارایی لازمه در حل مشکل را ندارد، پس مسوولیت را ارجاع کردید. درحالی که وضعیت موجود را فقط باید در حوزه معاونت سینمایی جست‌وجو کرد.» او در بخشی از این نامه با این عنوان که «ما را متهم به خروج غیرقانونی فیلم سنتوری در خارج از کشور و امریکا کرده‌اید»، اضافه کرده است: «فیلم «سنتوری» با مجوز اداره کل نظارت و ارزشیابی آن معاونت، در بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد و همانند دیگر فیلم‌ها به جشنواره‌ها ارسال شد و پس از دریافت پروانه نمایش، نسخه دی‌وی‌دی آن برای جشنواره‌ها و دانشگاه‌های خارج کشور ارسال شد. این موارد همه مستند هستند و مدارک آن موجود است. اینجانب همواره تابع ضوابط و قوانین کشورم بوده‌ام و خواهم بود.» او در بند سوم نامه‌اش با این عنوان که «مرا متهم به پرکردن حساب‌های بانکی‌ام به قیمت صدمه‌زدن به بدنه فرهنگ و هنر کشور و ... کرده‌اید»، آورده است: «سابقه اینجانب به‌عنوان تهیه‌کننده آثاری چون «لیلا»، «درخت گلابی» و «میکس» که همگی از جشنواره مورد تایید شما جوایز بسیاری دریافت کرده است، نشان می‌دهد تا چه اندازه درصدد پرکردن حساب بانکی‌ام بوده‌ام؟ کدام یک از این فیلم‌ها جنبه تجارتی داشته‌اند و سود حاصل از آنها چه مبلغ بوده است؟ در بخش چهارم این نامه با یادآوری جمله جوابیه روابط عمومی معاونت سینمایی «خسارت فیلمی را می‌پردازید که بخش قابل توجهی از هزینه‌های آن را بنیاد سینمایی فارابی و دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرداخت کرده است و ...» در چند بند توضیح داده است: «الف: سازمان پیشگیری از مواد مخدر که زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار دارد پس از خواندن فیلمنامه و تصویب متن آن، به این فیلم وام داده است (که البته ۳۰ درصد آن را پرداخت کرده است). این وام شامل موارد مشابه نیز شده و امتیاز خاصی نسبت به اینجانب یا آقای مهرجویی محسوب نمی‌شود.

ب: این خود ثابت می‌کند که متن فیلمنامه در دو مرحله، هم در اداره کل نظارت و ارزشیابی و هم در سازمان پیشگیری از مواد مخدر تصویب شده و کنترل‌های لازمه نسبت به آن بیش از دیگر فیلمنامه‌ها به عمل آمده است.

ج: ما موظفیم به‌عنوان تهیه‌کننده فیلمنامه‌یی را که آن معاونت بعد از بررسی‌های مختلف درست تشخیص داده و مجوز داده است به‌عنوان مجوز جمهوری اسلامی تلقی کنیم و با بهترین امکانات و عوامل سینما جلوی دوربین ببریم و اگر فیلم بد ساخته شده یا قصوری در تولید و عوامل آن بوده است، این سهل‌انگاری به‌عهده ماست ولی اگر متن آن ایرادی دارد و اساس تفکرات شما را به‌هم ریخته است و تنش در حوزه فرهنگ و هنر ایجاد کرده است، خسارت آن را نیز شما باید بپردازید. فرازمند در پنجمین بخش مطالب خود در این نامه ابراز عقیده کرده است: «اگر قصوری بوده از سوی اداره کل نظارت و ارزشیابی یا معاونت سینمایی صورت گرفته است. شما که با تولید فیلمی به کارگردانی کارگردان ارزشمندی چون داریوش مهرجویی مساعدت کرده‌اید وظیفه داشتید فیلم را درحین تولید به دقت بررسی می‌کردید. در آن صورت مواردی را که به نظرتان مشکوک می‌رسید با کارگردان مطرح می‌ساختید و مسلماً به راه حلی مرضی‌الطرفین نائل می‌گشتید.»

اشاره

گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها

سعید فائقی

در چهار ماهه اول سال بودند ایام بزرگی که روز عطار، سعدی و شیخ صدوق و روز فردوسی و عمر خیام و ملاصدرا آنها را زینت بخشیده بود و باز بودند روزهایی چون روز اسناد ملی، روز موزه و گل و گیاه و بیابان‌زدایی و روز مبارزه با سلاح «ش‌م‌ر» و از همه مهم‌تر روز ملی خلیج‌فارس و متاسفانه ایام به سرعت گذشت. ما تنها شاهد فعالیت گروه هنر و ادبیات موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بودیم که با مدیریت برادر فریدون عموزاده‌خلیلی و فعالیت برادرم محمد صادقی برای برخی از ایام فوق بسان حکیم ابوالقاسم فردوسی برنامه‌یی باشکوه و علمی و ادبی با سخنرانی استاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن شکل داده شد و حتی برای عرفان‌پژوه امریکایی– پروفسور چیتیک– با سخنرانی دکتر احمد جلالی در حضور جناب خاتمی برنامه زیبایی ترتیب داده شد. به‌رغم این فعالیت‌ها ملاحظه می‌فرمایید ... با وجود تنش در روابط بین‌الملل، مسائل جزایر سه‌گانه، مال خود کردن بزرگان ما توسط کشورهای دیگر بسان مولوی و رودکی و خرقانی و ...، در معرض نابودی قرار گرفتن گنجینه‌های باستانی و گرانبهای میهن‌مان (افزایش رطوبت منطقه پاسارگاد– نامشخص بودن وضعیت سنگ‌نبشته جزیره خارک– تخریب بخشی از محوطه کاخ آپادانا و ...)، مهجوریت معماری ایران، نگرانی مام‌وطن از سرنوشت عراق و افغانستان، حوزه منافع ویژه شدن خلیج فارس برای پان‌عربیسم، به خطر افتادن منافع ملی در دریای خزر و نهایتاً استقلال و یکپارچگی سرزمین و امنیت و منافع ملی.

فرض و واجب است برای همه آنهایی که اسلامیت و ایرانیت و جمهوریت نظام را معتقدند و از طریق نهادهای مدنی و طرق مختلفی که امروزه در جهان رسانه‌یی در دسترس است برای پاسداری از میراث گرانبهای ایران عزیز اقدام کنند. علی‌الخصوص از تئوریسین گفت‌وگوی تمدن‌ها جناب آقای خاتمی استدعا داریم با تقویت موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها که جمعی عاشق بدون هیچ گونه چشمداشت مادی در آن به تولید اندیشه و خرد زیبا مشغولند، ترتیبی اتخاذ فرمایند که در ماه جاری و ماه‌های آتی و تا پایان شهریور شاهد برگزاری مراسم باشکوه برای روز شیخ شهاب‌الدین سهروردی، روز فرمان مشروطیت، روز خبرنگار، روز جوان، روز علامه مجلسی، روز بوعلی سینا، روز زکریای رازی، روز صنعت چاپ، روز ابوریحان بیرونی و روز استاد شهریار و روز شعر و ادب پارسی باشیم و از مهر با مهرورزی ایرانی به استقبال ایام شش ماهه دوم برویم که بتوانیم در شرایط برابر با پروژه جهانی شدن دست و پنجه نرم کنیم. امروز رژیم صهیونیستی با مظلوم‌نمایی، پان‌عربیسم با تبلیغ امپریالیسم فارس، امریکا با جنگ‌طلبی، تمدن خاورمیانه را تهدید می‌کنند. با سیاسی کردن حوزه فرهنگ و ادبیات و مفاخر ملی ما مشکلات‌مان دوچندان خواهد شد. در حوزه اندیشه با خلق گفتمان و مراودات زیبا می‌توان راه به جایی برد. هجمه امروز علیه ایران عزیزمان را از طریق نفوذ اندیشمند گرامی جناب آقای سیدمحمد خاتمی و موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و عاشقان سینه‌چاک موسسه می‌توان به سمت خودشان با گفت‌وگو برگرداند و میراث گرانبهای کشور عزیزمان را پاس داشت. دیدیم که پالس مذاکره با امریکا از طرف سیاسیون با سکوت آنها همراه شد و حتی گفتن جمله‌یی با این مضمون «ما مردم امریکا را از برترین مردم دنیا می‌دانیم یا ایران امروز با مردم امریکا و اسرائیل دوست است» از طرف مقامات عالیرتبه میراث فرهنگی و گردشگری عکس‌العمل مثبتی را به دنبال نداشت. با این روند عجولانه‌یی که سیاسیون پیش گرفته‌اند، اگر نهادهای مدنی دیر نجنبند، در این حوزه هم شاهد تضییع خواهیم شد. اگر بازگشت دوباره آقای امیر احمدی رئیس انجمن دوستی ایران و امریکا را به فال نیک بگیریم که نهادی مدنی است و فعالیت نهاد مدنی با نهادهای سیاسی ره به جایی نخواهد برد، مگر گفتمان نهاد مدنی که در سطح بین‌المللی می‌تواند از تشنج بکاهد و موثر افتد.

بازگشت کرگدن

سیدعلی میرفتاح

با ما به از این باش که با خلق جهانی

ظاهراً «فمینیست‌ها» در اعتراضات خود جدی هستند و بهتر است بگوییم موضوع را جدی گرفته‌اند. ظاهراً بعد از سال‌ها به مواردی برخورده‌اند که فکر می‌کنند زورشان به او می‌رسد و می‌خواهند انتقام همه زن‌ستیزان را یکجا از او بگیرند. خیلی وقت پیش در سازمانی مشغول به کار بودم که یک انگلیسی جنتلمن نیز همکارم بود. سرنوشت این همکار ما را چرخانده بود و چرخانده بود. دست یک زن هندی را به عنوان همسر شرعی و قانونی، توی دست او گذاشته بود و به تهرانش انداخته بود. زن هندی، اما دمار از روزگار این رفیق ما درآورده بود و چنان تحت کنترل همه‌جانبه‌اش گرفته بود که بی‌اذن بانوی مکرم هندی، آب هم نمی‌توانست بخورد. علاوه بر این جوری که بر رفیق انگلیسی می‌رفت، رئیس سازمان ما هم دل‌خوشی از مستر جماعت نداشت و دنبال فرصتی می‌گشت که آزار و اذیتی برساند. معمولاً توی فیلم‌های ایرانی، انگلیسی‌ها را در شکل و شمایلی می‌بینیم که با لهجه عجیب و غریبی فارسی حرف می‌زنند و پدر صاحب بچه ایرانی و هندی را در می‌آورند، اما رفیق ما این تصور را به هم ریخته بود و با قیافه‌یی مستاصل، به فارسی سلیس و با لهجه غلیظ انگلیسی به ما می‌گفت که «نمایندگان تام‌الاختیار هندوستان و ایران دست به یکی کرده‌اند تا همه انتقام ظلم‌های کمپانی هند شرقی را یکجا از من یک لا قبای بیچاره بگیرند؛ من چه گناهی دارم که باید تاوان جور و ظلم پیر انگلیس را بپردازم؟» حالا حکایت من است که همه یادشان افتاده که باید از حقوق ضایع شده نسوان دفاع کنند. هر کسی که از خیابان رد می‌شود، سر راه دانشگاه و اداره، رمی بر جمره کرگدن می‌کند و بابت زن، زن مظلوم ایرانی، رگ گردن کلفت می‌کند. آهای همشیره، خواهر، خانم محترم، آقا، اخوی، مهندس، آدرس را عوضی آمده‌یی. این دفاع از زن را جای دیگر باید می‌کردی. جای دیگر باید می‌فهمیدی که چه توهینی دارند به جنس لطیف می‌کنند. جای دیگر باید یاد دفاع از جنس دوم می‌کردی. یعنی الان همه‌چی درست شده، فقط مانده این ستون باریک در منتهای اعتماد. این همه ستون جدی را که از صبح تا شب دارند به مفهوم و مصداق زن، توهین رسمی و علنی می‌کنند و هرچه از دهن‌شان و قلم‌شان دربیاید می‌گویند، همه اینها را رها کرده‌یی و چسبیده‌یی به یک ستون طنز که از اتفاق حرف ناحساب هم نزده است. نشنیده‌یی که خانه از پای‌بست ویران است؟ بی‌خود در بند نقش ایوان مانده‌یی. اینها که من می‌گویم توهین نیست، بلکه... یک روز اگر سر حوصله بودیم و اینچنین خصمانه به کرگدن نمی‌نگریستی، سر فرصت برایت عرض می‌کنم که توهین کجاست. توهین واقعی، توی شهر مشغول آپ‌اند داون کردن است و هزاران هزار برابر این که اگر خواستی یک به یک برمی‌شمرم. با ما به از این باش که با خلق جهانی.

mirfattah@yahoo.com